

پاداش و کیفر

برداشت‌های نادرست از مسأله پاداش و کیفر در عالم پس از مرگ، آنرا به صورت معنائی با نقاط مبهم فراوان درآورده است.

چون بخواهست خدا در نظر است که از شماره اول سال ۶۱ (شماره آینده) بحث جدیدی که از جهات زیادی مورد نیاز است آغاز کنیم؛ با این مقاله، به بحث‌های عالم پس از مرگ پایان داده و بقیه این مباحث را به کتابی که تحت عنوان «رستخیز و عالم پس از مرگ» انتشار خواهد یافت؛ موقوف می‌کنیم.

شوشنگار عالم انسانی و مطالبات فریبی

بزرگی است و عالم و قادر، چرا ما را مکافات می‌کند؟ پس «فرق میان «هه» و «او» چیست بگو؟ ... او بزرگواری کند و گذشت نماید. از همه اینها گذشته ستمگرترین و گناهکارترین کفار خدا کتر یکصد سال عمر خود را غرق عصبانگری و ویرانگری هستند چرا ملیونها سال و بیشتر بلکه برای همیشه مجازات شوند و «مخلد» در عذاب گردند؟

بیرامون مسأله پاداش و کیفر در عالم پس از مرگ و رستخیز نقاط مبهم فراوان و علامتهای استنهام زیادی دیده می‌شود که غالباً از سه تقصیرهای نادرست «در مورد اصل مسأله پاداش و کیفر سرچشمه می‌گیرد.

مثلاً نفسی، از خود می‌پرسند:

گناهان ما چه زبانی به خدا می‌رساند که ما را مجازات می‌کند؟ وانگهی مایه می‌کنیم او که

اصولا مجازات یا ازروح انتقامجویی سرچشمه می‌گیرد یا برای عبرت دیگران، و با تربیت خود خلفانکاران است. هیچک از این سه موضوع درباره کبیره‌های پس‌ازمرگ درست نیست.

اما انتقام و انتقامجویی ازساحت پاک پروردگار بدور است. زیرا انتقام (برخلاف آنچه تصور می‌شود) نشانه قدرت نیست، بلکه نشانه ضعف و ناتوانی روح آدمی است، انتقام مرهمی بر ارواح مجروح و زخم خورده است، و پایه تعبیر صحیحتر عاملی است برای تخدیر ارواح ناراحت و ناتوان و بیمار. بنابراین کبیره‌های الهی دارای عنصر انتقامی نیستند.

همچنین «عنصر توبیتی» برای خود شخص مرتکب گناه با دیگران ندارد، چه اینکه مرکز تربیت، این جهان است، و درجهان دیگر، تربیت مطرح نیست، بنابراین مجازات‌های عالم پس‌ازمرگ، حتی مانند قوانین کبیری و جزائی این جهان هم نیست، زیرا در این گونه کبیره‌ها و مجازات‌ها مسأله تربیت کاملاً مفهومی دارد ولی نسبت به بعد ازمرگ نامفهوم است.

تمام این سؤالات پیچیده را با توجه به يك حقیقت می‌توان پاسخ گفت و آن اینکه:

سرچشمه اصلی کبیره‌ها و مجازات‌ها در عالم رستاخیز و پس‌ازمرگ، آثار و نتایج خود گناه در روح و جسم آدمی و همچنین تجسم آنهاست. توضیح اینک:

در آیات و روایات اسلامی تعبیرات جالب و حساب شده‌ای درباره چگونگی ارتباط این جهان با جهان پس‌از مرگ دیده می‌شود که می‌تواند

دوشگر نقاط تاریک این بحث باشد:

مثلا (در آیه ۲۰ سوره شوری) می‌خوانیم:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ لَرُدُّهُ فِي حَرْثِهِ

: و آنها که ذراعت و کشت سرای دیگر را (یا

اعمال نیک خود) می‌طلبند کشت آنها را افزون می‌کیم» تعبیر به کشت تعبیر جالبی است که نشان می‌دهد پاداش و کبیره در آن جهان چیزی جز نتایج اعمال خود انسان نیست.

و (در آیه ۱۵ سوره جن) می‌خوانیم: أَمْ تَطْلُبُونَ كَثَابًا لِيُهْتَمَّ حَقًّا : و اما مستگران هیزم و آتش را روز دوزخند. بنابراین آتش جز بوسه خودشان و اعمالشان وجود ندارد، آنها و اعمالشان هستند که در شکل آتش ظاهر می‌شوند، پس آن آتش چهرة دیگری از اعمال خود آنهاست که دامانشان را می‌گیرد.

و در آیه ۳۹ سوره صافات چنین آمده است:

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ : پاداشی

به شما داده نمی‌شود جز اعمالی که انجام داده‌اید.

بنابراین پاداششان همان اعمالشان است که به دست آنها می‌رسد!

(در آیه ۵۵ سوره عبکوت) می‌فرماید:

ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ .

: آنچه را که انجام دادید اکنون بچشید.

این تعبیر نیز نشان می‌دهد که کبیره‌های گناهکاران چیزی جز دریافت و چشیدن اعمال خود انسان نیست.

(در آیه ۲۳ سوره جالبی می‌خوانیم:

يَذَلُّهُمْ سَيِّئَاتُ مَا قِيلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَسْتَهْزِئُونَ .

: و آنچه را که از آن به «اثر عمل» می‌توان تعبیر نمود.

: و گناهی را که انجام داده‌اند در برابر آنها

آشکار می‌شوند و استهزاهائی که در برابر آیات

(خدا) داشتند به آنها وارد می‌گردد .



از همه این تعبیرات به خوبی استفاده می‌شود که آنچه مادرجهان پس‌ازمرگ با آن سروکار داریم، همان اعمال نیک و بد ماست، که به صورت انرژی‌های سودمند و یا ویرانگری در این جهان از مسابود گردیده، و علاوه بر اینکه روح ما را تکامل داده یا جریحه دار ساخته، در پرورنده جهان هستی همچنان باقی مانده و طبق قانون تکامل پرورش یافته است.

این اعمال در آن دوزخ از منفی گاه‌های خود خارج می‌شوند، و پس از تغییر شکل دادن (که از آثار عمومی انرژی‌ها است) در قایقه‌های جدیدی بر ما ظاهر می‌شوند.

این چهارم‌های جدید ما را تا اعماق جان نشاط می‌بخشند، و یا می‌سوزانند و در حال یا ماهستند و از ما جدا نمی‌شوند.

اینها همانند همه چیز دیگر این جهان، نابود نمی‌گردند (و به فرمان خدا) همانند خود مانده‌اند و بدت بخود می‌گیرند، و به این ترتیب مسأله کبیره و پاداش

نه همانند هر کارگران و مجازات بردگان است، و نه چنانچه انتقامی دارند و نه درس عبرت برای مرتکبین آنها و پادیدگان است.

بلکه نوع دیگری است که از آن به «اثر عمل» می‌توان تعبیر نمود.

جالب توجه اینک: در روایت معروفی تصریح

شده که «الدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ»: این جهان

کشتگاه جهان دیگر است.

یا توجه به منهدم «مزرعه» روشن می‌شود آنچه در آنجا می‌دریوم محصول و تکامل یافته همان بذره‌های اعمال نیک و بدی است که در اینجا افشا نموده‌ایم.

اگر ما چند گرم بذرخار می‌توانیم در راه خود بپاشیم، و پس از چند ماه خود را با یک میدان وسیع خارهای جانگداز که به حکم اجبار باید از روی آنها عبور کنیم روبرو ببینیم، آیا چیزی جز محصول عمل خود را دریافت داشته‌ایم؟

همانطور که اگر چند گرم بذر گل در زمینهای اطراف خود بپاشیم و پس از مدتی با صحرائی از گلهای خوشبو که بوی عطردل انگیزشان جان انسان را ناز می‌کند، و رنگ و زیبایی آنها چشم را نوازش و دل را آرام می‌بخشد، روبرو شویم، با همان نتیجه عمل خود روبرو شده‌ایم.

نه در صورت اول کسی به ما ستم کرده و نه در صورت دوم چیزی بی‌جهت بدون حساب دریافت داشته‌ایم و در هر دو صورت محصول عمل خود را باز یافته‌ایم.

حالی می‌رسیم اگر آن خارها و این گله‌ها جوادانی و ابلی باشند و ما را برای همیشه در شکنجه بالذت فرو برند آیا کسی در اینجا منصرف است؟ یا با مسأله عدالت منافاتی دارد؟ و با حش شکایت از این وضع را داریم؟ اگر دریافت و برداشت ما از مسأله پاداش و کبیره جهان پس‌ازمرگ چنین باشد، همه علائم استقامتها از پیرامون این مسأله برچیده خواهد شد.

«پایان»